



The Scientific Journal in Jurisprudence and Bases of Islamic law The 15 rd.
Year/NO: 4 winter 2022

بررسی فقهی-حقوقی صدور چک بنمایندگی و مسئولیت ناشی از آن در تأمین محل چک

افسانه خاکشور^۱ سیدمحسن جلالی شهری^۲ محمدعلی سعیدی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

چکیده

چک سندی تجاری و معتبر و قانونی بامبلغی معین نزد بانک است که به عنوان سند دین حاکی از بدهکار بودن صادرکننده آن به مقدار مبلغ چک است. با اختلاف نظری که نسبت به ماهیت چک بین فقهاست، مشهور قائل به حواله بودن آن می‌باشند. ره‌آورد این تحقیق که به روش توصیفی تحلیلی و مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا تدوین گردیده، این است که صحت صدور چک توسط نماینده قانونی منوط به انجام آن در محدوده اختیارات تفویضی و مشروعیت جهت صدور آن است. نسبت به مسئولیت صادرکنندگان چک در تأمین محل آن، نظرات متفاوتی اعم از نسبی و تضامنی باتوجه به آرای صادره از مراجع قضایی ارائه شده است اما مقنن در ماده ۱۹ و تبصره ۲ و ۳ ماده ۵ ق.ا.ص.ج. مصوب ۹۷ مسئولیت صادرکنندگان را تضامنی دانسته که علت آن را می‌توان در حفظ حقوق بستانکار در صورت ورشکستگی یا اعسار و یا فرار یکی از صادرکنندگان دانست. گرچه در فقه امامیه و قانون مدنی برای مسئولیت تضامنی نظریه نقل ذمه حاکم است اما در فقه عامه و قانون تجارت برای مسئولیت تضامنی نظریه ضم ذمه حاکم است. نوآوری این مقاله مسئولیت تضامنی صاحب حساب و نماینده قانونی در برابر دارنده برگ چک به عنوان سند تجاری جهانی مبتنی بر فقه و حقوق موضوعه است.

واژگان کلیدی: چک، حواله، نمایندگی، تأمین محل، مسئولیت تضامنی

1. afsaneh.khakshor.1977@gmail.com

2. dr_smj@yahoo.com

3. saeedi-mha@yahoo.com

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.

۲. استادیار گروه الهیات، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران. (نویسنده مسؤل)

۳. استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.

مقدمه

از مهمترین اسنادی که در معاملات و مبادلات بین تجار ایفای نقش می‌کند چک به عنوان سند دین است که به وسیله آن صادرکننده مبالغی را که بانک در حساب او نگاه داشته خود برداشت می‌کند و یا به بانک دستور پرداخت آن را به شخص ثالث یا به حواله کرد او می‌دهد. بین اسناد تجاری که وسیله اعتبار و انتقال دین و پرداخت می‌باشند؛ چک تنها وسیله پرداخت است و مهمترین فایده چک انجام تعهدات بدون استفاده از پول است. گرچه این استفاده متعهدله را در معرض خطر دریافت چک بلامحل و یا سرقت شده قرار می‌دهد و فروشنده کالا با دریافت چک ممکن است نتواند به پول خود برسد، لذا مقنن برای چک بلامحل مقررات جزایی منظور نموده تا پرداخت با چک از ضمانت بیشتری برخوردار باشد. مشهور فقهاء معتقدند ماهیت چک عادی مانند حواله است و نسبت به ماهیت حواله (عقد، ایفای، آمیزه‌ای از هر دو) اختلاف است اما حواله مقسم ضامن به معنی اعم می‌باشد که عقدی لازم و خاص جهت انتقال دین از ذمه‌ای به ذمه‌ای دیگر است که با ایجاب از طرف محیل و قبول از طرف مُحْتال محقق می‌شود، لیکن قبول محال علیه شرط نیست، هر چند رضایت او شرط است. صدور چک به نمایندگی از طرف صاحب حساب در صورتی که در محدوده اختیارات تفویضی باشد مسئولیتی متوجه نماینده نیست، در غیر این صورت نماینده مسئول است و قانون ج.ج. مسئولیت تضامنی برای صادرکنندگان چک بی محل منظور نموده است. هدف محقق، تعیین محدوده مسئولیت صادرکننده چک به نمایندگی در قبال دارنده برگ چک است. اما سوالاتی که محقق در صدد پاسخ‌گویی به آنهاست: ۱- منظور از چک و کالتی چیست؟ ۲- چه کسانی در مقابل دارنده چک مسئولیت دارند و محدوده این مسئولیت تا کجاست و با چه هدفی صورت می‌گیرد؟ پاسخ به سوالات ضمن پرداختن به مطالب ارائه می‌شود. نوآوری این مقاله مسئولیت تضامنی صاحب حساب و نماینده قانونی در برابر دارنده چک به عنوان سند تجاری مبتنی بر فقه و حقوق موضوعه است.

مفهوم چک

در تألیفات لغوی عرب، معادل واژه چک واژه «صک» به معنی ضرب و دفع می‌باشد (ابن فارس، ۱۴۰۴، ص. ۳/ ۲۹۹، قرشی، ۱۴۱۲، ص. ۴/ ۱۳۹) و اصطلاحاً «الصک: الكتاب الذی یکتب فی المعاملات و الأقرار» (مصطفوی، ۱۴۰۲، ص. ۶/ ۲۶۰). چک از اوراق تجاری و نوشته‌ای که دارنده حساب جاری در بانک به موجب آن، تمام یا بخشی از وجوهی را که نزد بانک دارد مسترد یا به دیگری واگذار می‌کند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵، ص. ۲/ ۱۵۹۶) یا «سندی که بر روی یک بانک کشیده می‌شود جهت پرداخت مبلغی که در بانک به حساب صادرکننده موجود است به دارنده چک» (ستوده، ۱۳۷۴، ص. ۳/ ۹۹). در قوانین موضوعه (ماده ۳۱۰ ق.ت) «چک نوشته‌ای است که به موجب آن صادرکننده وجوهی را که نزد محال علیه دارد کلاً یا بعضاً مسترد می‌دارد». قانون چک مصوب ۱۳۵۵ به تعریف انواع چک (عادی، تأیید شده، تضمینی و مسافرتی) پرداخته که نقطه مشترک آنها نوشته‌ای است که توسط اشخاص بر عهده بانک‌ها به حساب جاری خود صادر می‌کنند با این استثناء که چک‌های تضمینی و مسافرتی توسط خود بانک صادر می‌شوند. ماده ۲ ق.ص.ج. چک را سندی می‌داند که عهده بانک‌های دایر به موجب قانون ایران صادر شده باشد. در ایران عرفاً «چک ورقه‌ای است که به وسیله آن صادرکننده مبالغی را که بانک در حساب او نگاه داشته خود برداشت می‌کند و یا به بانک دستور می‌دهد که آن را به شخص ثالث یا به حواله کرد شخص مزبور پرداخت نماید». برخلاف ماده ۳۱۰ ق.ت. عملاً فقط یک بانک می‌تواند محال علیه چک باشد (اسکینی، ۱۳۸۵، ص. ۴/ ۱۸۲ - ۱۸۳).

ماهیت فقهی و حقوقی چک

اغلب فقهای متقدم ماهیت چک‌های عادی را مانند حواله و آنها را مشمول احکام حواله دانسته‌اند و حواله از دیدگاه فقه اسلامی از اقسام ضامن به معنی اعم مطرح شده است، و عده‌ای به اصالت آن تصریح نموده‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۴، ص. ۱۴/ ۲۷۹، طوسی، ۱۴۰۷، ص. ۲/ ۱۳۱، محقق حلی، ۱۴۰۸، ص. ۲/ ۸۸، صاحب‌جوهر، ۱۴۰۴، ص. ۲۶/ ۱۶۲). باین حال حواله: عقدی است خاص

جهت انتقال دین از ذمه‌ای به ذمه‌ای دیگر که مشهور حواله به غیربدهکار را نیز صحیح می‌دانند؛ (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶، ص. ۳/۳۸۲) اما برخی که (صاحب‌جواهر، ۱۴۰۴، ص. ۲۶/۱۶۰ - ۱۶۵) حواله به غیربدهکار را مصداق ضمان می‌دانند، حواله یعنی انتقال دین از ذمه مدیون به ذمه فردی که ذمه‌اش به مثل آن دین مشغول است. عده‌ای (یزدی، ۱۴۰۹، ص. ۵/۴۵۱) حواله را «عقد الشرع لتحويل المال من ذمه الی ذمه مشغوله بمثله» (محقق‌کرکی، ۱۴۱۴، ص. ۱/۳۲۱) میدانند گرچه برخی بر عقد یا اثر عقد بودن حواله؛ بحث مفصلی کرده‌اند اما بدون نتیجه (صاحب‌جواهر، ۱۴۰۴، ص. ۲۶/۱۶۰). از یک دیدگاه حواله ایقاع است که از طرف محیل انشاء می‌شود و شرط صحّت آن رضایت محتال و محال‌علیه است. اما از دیدگاه مشهور حواله از عقود لازم است و با ایجاب از طرف محیل و قبول از طرف محتال محقق می‌شود لیکن قبول محال‌علیه شرط نیست، هرچند رضایت او شرط است. عده‌ای اشتراط قبول از طرف محال‌علیه را محتمل دانسته‌اند که در این صورت عقد مرکب از یک ایجاب و دو قبول است (بحرانی، ۱۴۰۵، ص. ۲۱/۴۷، صاحب‌جواهر، ص. ۲۶/۱۶۲، یزدی، ص. ۵/۴۵۳) برخی گفته‌اند؛ «صرف این که حواله، عقد لازمی است، سبب نمی‌شود که ایجاب و قبول، شرط درستی آن باشد و عموم دلیل‌های جایز بودن حواله نیز، شرط نبودن ایجاب و قبول را می‌رسانند. تأیید بر این، اصل برائت است و نیز این نکته که عقد حواله، برای آسانی زندگی مردمان تشریح شده است و احکام آن بایستی هماهنگ با مبنای شریعت، منظور گردد» (محقق‌اردبیلی، ۱۴۰۳، ص. ۹/۲۸۸ - ۳۰۷).

به تبعیت از مشهور ماده ۷۲۴ ق.م. حواله را عقدی میدانند که به موجب آن طلب شخصی از ذمه مدیون به ذمه شخص ثالثی منتقل می‌گردد. همسو با دیدگاه فقهاء، نسبت به ماهیت حقوقی چک مانند برات نزد حقوقدانان مبنی بر قرارداد، ایقاع و آمیزه‌ای از قرارداد و ایقاع؛ اختلاف است. نظری دیگر مبنی بر انتقال طلب، انتقال قهری، انتقال دین، وکالت در پرداخت است؛ که در حقیقت هیچ‌یک از نظریات به تنهایی به هنگام تنظیم و صدور مد نظر نمی‌باشد؛ بلکه چک فی نفسه دستور پرداخت و وسیله پرداخت است (سالاری، ۱۳۹۴، ص. ۲۵). این که ضرورت دارد حواله در شمار ایقاعات باشد موید قانون مدنی نیست باین که حاصل حواله ایقاعی تعهد از سوی محیل است؛ زیرا این نتیجه مستقیماً حاصل نمی‌شود و لازم است که طلب محتال بر ذمه مدیون جدیدی استقرار یابد. برانگیختن این وسیله انتقال تنها به اراده محیل انجام نمی‌پذیرد، بلکه توافقی لازم است که دین محیل را بر عهده محال‌علیه قرار دهد و طلبکار را ملتزم به رجوع او نماید. به همین جهت مقنن آن را عقد نامیده تا به این عمل حقوقی اصالت بخشد (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص. ۴/۳۹۱). در حقوق ایران تمایل غالب حاکی از بررسی ماهیت حقوقی چک در قالب عقد حواله است که از تعریف چک در ق.ت. ناشی می‌شود (اخلاقی، ۱۳۷۴، ص. ۲۳۵ - ۲۳۶) به نظر می‌رسد ماهیت حواله برای سنت‌تجاری چک مورد تردید است (چون به قول مشهور - قبول محال‌علیه در آن شرط نیست - لیکن رضایت وی شرط است - جالب این که قبول اجرای تعهد منوط به رضایت است - مگر این که رضایت را مقدمه قبول فرض نماییم که مرحله قبل از قبول است) هرچند دیدگاه غالب بر پذیرش عقد حواله در فقه برای چک است، معاصرین معتقدند که آنچه امروزه تعبیر به چک یا حواله می‌شود این که شخص پول معینی را در شهری به بانک می‌دهد و بانک آن را از طریق سیستم بانکی در شهری دیگر حواله می‌دهد، اعم از حواله مصطلح در فقه بوده و امری جایز است (توضیح المسائل مراجع، ص. ۲/۷۹۲، امام خمینی، بی تا، ص. ۲/۶۱۸) چک به لحاظ حقوقی، سند دین و نشان بدهکار بودن صادرکننده آن به مقدار مبلغ چک است و امروزه در مبادلات اقتصادی، چک از اسناد رسمی تجاری است (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۵، ص. ۲/۱۵۹۶). این که آیا حواله مبتنی بر انتقال دین است یا طلب؟ برای پاسخ باید بین دو صورت، مدیون بودن محال‌علیه به محیل و صدور حواله بر عهده بری، تفاوت قائل شد: اگر محال‌علیه به محیل مدیون باشد: در این صورت از طرفی محیل دین خود را به محال‌علیه انتقال می‌دهد و از طرفی دیگر طلب خود را به محتال. این عمل حقوقی آمیزه‌ای است از انتقال دین و طلب. منتها عده‌ای بر انتقال جنبه منفی تعهد تکیه کرده و قبول انتقال‌گیرنده را در این تحویل شرط دانسته‌اند «لان لمحیل قد اقام المحتال مقام نفسه فی القبض بالحواله فلا وجه للافتقار الی رضی من علیه الحق» (شهیدثانی، ۱۴۱۰، ص. ۴/۱۳۶، امامی، بی تا، ص. ۲/۲۸۷) و

تعدادی بر جانشینی محتال و انتقال طلب محیل به او را جوهر حواله پنداشته و رضای محال علیه را در این انتقال لازم ندانسته‌اند (طوسی، ۱۴۰۷، ص. ۱۲۹/۲، صاحب‌جوهر، ۱۴۰۴، ص. ۲۶ / ۱۶۱-۱۶۳). ۲- و در اصدار حواله بر محال علیه بری: تصور انتقال طلب محال است؛ چون به فرض محیل از محال علیه طلبی ندارد که آن را منتقل نماید و محتال را قائم‌مقام خویش نماید. همچنین طلب محتال نیز به کسی قابل انتقال نیست و در این تحول دائن ثابت می‌ماند. برعکس محال علیه به جای محیل بدهکار می‌شود و طلب او را در برابر محتال بر ذمه می‌گیرد که این فرآیند اصطلاحاً انتقال دین است. در این صورت هیچ کدام از صاحب‌نظران جز قائلین به ایقاع بودن حواله در ضرورت قبول محال علیه تردید ندارند و حتی گاه آن را مهمتر از اراده محیل و محتال دانسته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص. ۴ / ۴۰۱). عده‌ای حواله بر بری را نیز صائب نمی‌دانند (صاحب‌جوهر، ۱۴۰۴، ص. ۲۶ / ۱۶۵، فخرالمحققین حلی، ۱۳۸۷، ص. ۹۲/۲) مقنن در ماده ۷۲۷ ق.م با پیروی از مشهور در صحت حواله مدیون بودن محال علیه به محیل را لازم ندانسته، منتها قبولی محال علیه را در حکم ضامن دانسته است.

برخی آن را حواله دانسته و معتقدند تنها رابطه محال علیه با محیل تابع احکام ضمان است و آنچه در حواله وجود دارد انتقال دین است نه طلب و مقنن که در ماده ۷۲۴ ق.م. به تبع مشهور آنرا انتقال طلب شخصی از ذمه بدهکار به ذمه بیگانه دانسته نباید موجب این توهم شود که مقنن اثر اصلی عقد را انتقال طلب قرار داده؛ چون آنچه بر ذمه بدهکار مستقر می‌شود و به ذمه ثالث انتقال می‌یابد دین است نه طلب، و غالب فقهاء نیز عقد حواله را مبتنی بر انتقال دین و مقسم ضمان می‌دانند (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص. ۴ / ۴۰۲) و معتقدند چک از اوراق نقدی نیست، ارزش مالی مستقل ندارد و تنها سندی معتبر و قانونی بر مبلغی معین نزد بانک است (امام خمینی، ۱۴۲۵، ص. ۴ / ۴۶۷، تبریزی، ۱۴۲۷، ص. ۱ / ۵۵۸، فاضل‌لنکرانی، بی تا، ص. ۱ / ۲۵۶) که صدور آن از سوی بدهکار به معنای برائت وی و از سوی وام‌دهنده به معنای اشتغال ذمه گیرنده آن تا زمانی که نزد بانک نقد شود نیست (تبریزی، ۱۴۲۷، ص. ۳ / ۲۳۰) مگر این که چک تضمینی باشد که در حکم اوراق نقدی است و فرد تالف ضامن مبلغ آن است (امام خمینی، ۱۴۲۵، ص. ۲ / ۶۱۹) اما حقوقدانان چک را وسیله‌ای جهانی برای پرداخت فوری دانسته‌اند (اسکینی، ۱۳۸۵، ص. ۴ / ۱۸۲). بنابراین برائت ذمه مدیون منوط به نقد شدن چک است، مگر این که چک توسط بانک صادر و تضمین شده باشد. برخی مباحثه چک به دلیل فقدان ارزش مالی را صحیح نمی‌دانند؛ لیکن مباحثه دینی که چک، مبین آن است را تحت شرایطی جایز دانسته‌اند (گلپایگانی، ۱۴۰۹، ص. ۲ / ۳۹).

صدور چک به وکالت یا نمایندگی و مسؤولیت ناشی از آن

وکالت عقدی است که به موجب آن شخص (موکل) به دیگری (وکیل) اختیار انجام عملی را به نام و به نفع خود می‌دهد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵، ص. ۷۲۵). اثر عقد وکالت اعطای نیابت است؛ یعنی موکل اقدام حقوقی وکیل را به منزله اقدام خود می‌داند و به او اختیار می‌دهد که به نام و حساب موکل تصرفاتی انجام دهد. در این فرآیند وکیل در حکم واسطه است و آنچه انجام می‌دهد برای موکل و تعهدهای پذیرفته شده بر موکل تحمیل می‌شود، ضمن این که منافع متعلق به اوست (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص. ۴ / ۱۰۷) و نمایندگی صفت کسی است که اقدام به انجام عمل حقوقی برای شخص دیگر به استناد قدرت قانونی یا اختیار ناشی از قرارداد می‌کند و نتیجه آن ایجاد یک تعهد یا یک حق به عهده یا نفع منوب عنه است که اعم از وکالت، ولایت، وصایت، قیمومت، نمایندگی تجاری و (ماده ۳۹۵) حق العمل کاری (ماده ۳۵۷ ق.ت) و نیابت می‌باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵، ص. ۷۲۳). به نظر می‌رسد رابطه نمایندگی و وکالت، عموم و خصوص مطلق است، که وکالت، ولایت، وصایت، قیمومت و... را شامل می‌شود. جوهر وکالت اعطای سلطه به دیگری است نه دادن نیابت و اذن در تصرف، چون وکالت عقد است و هیچ کس را نمی‌توان به طور قهری مسلط بر امری ساخت؛ و اگر اثر وکالت تنها دادن اذن و مباح ساختن تصرف باشد بایستی آن را در شمار ایقاعات دانست (آل کاشف‌الغطاء، ۱۳۵۹، ص. ۴ / ۵ - ۶). ضمن این که مشهور وکالت را مبتنی بر استنابه دانسته‌اند «الوکالَةُ: عَقْدٌ شُرِعَ لِلِاسْتِنَابَةِ فِي

التَّصَرُّفُ» (شهیدثانی، ۱۴۱۰، ص. ۳۶۷ / ۴، صاحب‌جواهر، ۱۴۰۴، ص. ۳۴۷/۲۷، یزدی، ۱۴۲۸، ص. ۱۱۹ / ۲، عاملی، ۱۴۱۹، ص. ۵۲۳/۷). فلذا وکیل شخصی است که از طرف دیگری به موجب عقد وکالت مأمور انجام امری است و ولی، وصی و قیم با عنوان اولیاء عهده‌دار امور محجور می‌باشند و وکالت سپردن کاری به دیگری است تا آنرا در حال حیاتش برای وی انجام دهد، که علاوه بر ایجاب و قبول، بلوغ، عقل، قصد، اختیار و احتیاطاً تنجیز، معین بودن، عدم ابهام و قابلیت تفویض از شرایط صحت آن است (امام‌خمینی، ۱۴۲۵، ص. ۶۷ / ۳ - ۶۹). در خصوص معین بودن مورد وکالت اختلاف است. برخی (علامه‌حلی، ۱۴۱۴، ص. ۱۳/۱۵) وکالت بدون تعیین موضوع و یا مبهم را باطل دانسته‌اند، لکن گفته‌اند تعیین موضوع از تمام جهات لازم نیست، بلکه تعیین اجمالی برای رفع غرر کافی است، و برخی قائل‌اند که «فإن الوكالة عقد شرع للارتفاق و دفع الحاجة فتناسبه المسامحة» (محقق‌کرکی، ۱۴۱۴، ص. ۲۲۱/۸) تأمل در عبارات «تعیین اجمالی و مبنی بر مسامحه» تقریب دیدگاه‌ها را می‌رساند اما چون وکالت عقد است نه معامله، قهراً مبتنی بر مسامحه است؛ و معلوم بودن موضوع آن کاملاً ضرورت ندارد و علم اجمالی به موضوع عقد جهت نفوذ آن کافی است (ماده ۲۱۶ ق.م) (امام‌خمینی، ۱۴۲۵، ص. ۶۹/۳). آنچه مسلم است وکالت باید در موردی داده شود که خود موکل بتواند آن را بجا آورد. فقهای امامیه درباره اختصاص موضوع وکالت به اعمال حقوقی تسامح نموده‌اند، اما از استنباط در تصرف چنین برداشت می‌شود که وکالت باید در اموری منعقد گردد که برای موکل آثاری ببار آورد. در فرض ما صدورچک توسط وکیل یا نماینده قانونی اگر در محدوده اختیارات تفویضی باشد صحیح است، ضمن این‌که از نظر ماهوی صدورچک نیازمند اهلیت و رضایت و مشروعیت جهت صدور است. و اما در خصوص مسؤلیت صادرکننده در برابر دارنده چک؛ اگر چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب صادر شود و دارنده سند با مراجعه به بانک با مقدر نبودن شرایط تأمین محل چک مواجه شود، چه کسی مسئول است و ضمانت اجرای آن چیست؟

طبق تبصره ۲ ماده ۵ ق.چ مصوب ۹۷ «در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شود، اقدامات موضوع این ماده علاوه بر صاحب حساب، در مورد وکیل یا نماینده نیز اعمال می‌گردد مگر اینکه در مرجع قضائی صالح اثبات نماید عدم پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی اوست. بانک‌ها مکلف‌اند به هنگام صدور گواهینامه عدم پرداخت، در صورتی که چک به نمایندگی صادر شده باشد، مشخصات نماینده را نیز در گواهینامه مذکور درج نمایند». اما با توجه به متن تبصره ۳ ماده ۵ و ماده ۱۹ ق.ج.چ، «مسؤلیت صادرکننده چک و وکیل یا نماینده قانونی او در قبال شخص دارنده چک، تضامنی می‌باشد، چنان که شرایط تأمین محل چک مقدر نباشد وکیل و موکل در این خصوص متضامناً مسئول می‌باشند و ضمانت اجرای عدم پرداخت مبلغ چک در موعد مقرر مسدود شدن حساب وکیل یا نماینده بعدی و موکل است». بنابراین با توجه به متن ماده مزبور، مسؤلیت عدم تأمین محل چک به طور کلی بر عهده صادرکننده یا صادرکنندگان چک است.

ضمان به معنی مسؤلیت است و ضامن شخصی است که در قبال اعمال و رفتار و گفتار خود پاسخگو است. «مسئول: به معنای بازخواست شده، (ابن فارس، ۱۴۰۴، ص. ۱۲۴/۳) و متعهد شدن «المَسْئُولِيَّةُ: التَّبَعَةُ» (سعدی، ۱۴۰۸، ص. ۱۶۲) و پذیرش تبعات چیزی است که فرد به موجب آن متعهد شده که به موجب ضرر وارده بر غیر در برابر قضاء برای شخص به نفع فرد متضرر به وجود می‌آید و برای او نتایج مدنی، کیفری و یا تأدیبی ببار می‌آورد (انصاری و طاهری، ۱۳۸۸، ص. ۱۸۳۹/۳). باید دانست که مسؤلیت در یک تقسیم‌بندی کلی به دو دسته اخلاقی و اجتماعی یا قانونی (کیفری، مدنی، اداری انتظامی، پارلمانی)، تقسیم می‌شود. و مسؤلیت مدنی بر دو قسم قهری و قراردادی تقسیم می‌شود که مسؤلیت اخیر شامل ضمان عقدی که حاکی از نقل ذمه به ذمه است و ضمان تضامنی (تضامنی انتقالی و تضامنی، تضامنی ترتیبی است) (بهرامی، ۱۳۹۳، ص. ۱۵۷). مسؤلیت تضامنی به دو معنی است؛ ا- مسؤلیت مدیون در مقابل چند بستانکار که هر یک از آنها حق مطالبه تمام طلب را دارا باشند. ب- مسؤلیت بدهکاران متعددی که

بتوان تمام طلب را از هر یک از آنان مطالبه نمود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵، ص. ۶۴۲) که در موردی که برات از طرف چند نفر به عنوان صادرکننده، امضا یا مهر شود دو نظریه مطرح است: «أ- مسئولیت نسبی: بدین مفهوم که؛ اگر دو یا چند نفر صادرکننده برات باشند تنها یک برات صادر می‌شود و همه دو یا چند امضا به منزله یک امضا است؛ و اگر نسبت مسئولیت هر یک در سند قید نشود آن‌ها به نسبت مساوی مسئول هستند؛ زیرا در حقوق ما اصل نسبی بودن مسئولیت، جمعی است (فخاری، جزوه درسی حقوق تجارت ۳-). ضمن این که حکم تمیز شماره ۱۴۸۱-۱۳۲۷/۹/۲۳ « هر گاه دهنده سفته دو نفر باشند نسبت به یکدیگر مسئولیت تضامنی ندارند» موید آن است. مطابق قسمت اخیر ماده ۱۸ ق.ا.چ. مصوب ۷۲ در صورت صدور چک به چند امضا مسئولیت نسبی حاکم است. ب- مسئولیت تضامنی: بر طبق نظریه تضامنی چون هر یک از امضا کنندگان برات دارای مسئولیت تضامنی می‌باشند در صورتی که هم براتکش چند نفر باشند هر کدام از آن‌ها متضامناً مسئول پرداخت وجه برات هستند (ستوده، ۱۳۷۴، ص. ۳۱/۳). مسئولیت مسئولین اسناد تجاری از نوع تضامنی است، و تمام مسئولین سند در عرض یکدیگر قرار دارند و دارنده سند می‌تواند برای وصول تمام یا قسمتی از وجه سند به هر کدام از آن‌ها همزمان یا در زمان‌های مختلف مراجعه نماید (دمیرچیلی، ۱۳۸۸، ص. ۵۱۸). ضمن این که حقوقدانان طبق مواد ۲۳۰، ۲۴۹ ق.ت. معتقدند که مطلقاً مسئولین سند تجاری موظف به پرداخت وجه سند می‌باشند و این تکلیف نه به جهت بدهکار بودن آن‌ها، بلکه به جهت امضایی است که در ظهر و یا روی سند نموده‌اند و برخی آن را امضای تأسیسی دانسته‌اند (جعفری لنگرودی، ۲۵۳۷، ص. ۱/۴۳۷). اگر ماهیت صدور سند تجاری و ظهرونی آن را نوعی انتقال طلب بدانیم مسلماً اصل استقلال امضاها قابل توجیه نیست؛ زیرا دارنده موقعیت محکمتری از انتقال‌دهنده نخواهد داشت و در نتیجه هر ایرادی را که مدیون در برابر ظهرونی می‌تواند مطرح نماید در برابر دارنده نیز قابل استناد است؛ چون همان حقی که او داشته به دارنده نیز منتقل شده است. فلذا اگر ثابت شود دین، مبنای صدور یا ظهرونی باطل بوده یا پرداخت شده معلوم می‌شود که حقی به دارنده منتقل نشده و دارنده حق وصول وجه سند را ندارد (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ص. ۱۰۹). (ماده ۱۹ ق.چ. در خصوص مسئولیت وکیل و موکل نسبت به اصدار چک در قبال دارنده سند تجاری شعبه ۲۳ دیوان عالی کشور در رأی شماره ۳۶۴- مورخه ۱۳۶۹/۶/۲۴ اعلام داشته که «اعلام عدم مسئولیت حقوقی مدیران شرکت در قبال خواهان با توجه به صحت صدور چک مستند دعوی بی‌وجه است» (بازگیر، ۱۳۷۸، ص. ۵۸/۳). « طبق ماده ۱۲۵ ق.ت. مصوب ۱۳۱۱ چنانچه مدیرعامل شرکت در حدود اختیاراتی که توسط هیئت‌مدیره به او تفویض شده چک را امضا کرده باشد نماینده قانونی شرکت محسوب و لذا مشمول مقررات ماده ۱۴ ق.ص.چ. خواهد بود و اگر مدیرعامل خارج از حدود اختیاراتی که هیئت‌مدیره به او تفویض نموده چک را امضا کند شخصاً مسئول پرداخت وجه چک خواهد بود (نظریه مشورتی شماره ۷/۹۰۳۹- مورخه ۱۳۸۲/۱۱/۵- مجموعه ق.ص.چ. ص. ۵۶) اگرچه مدیر در مقابل دارنده چک مسئولیت دارد ولی مطابق اصول کلی مربوط به نمایندگی مسئولیت نهایی به عهده منوب‌عنه بوده و نماینده می‌تواند پس از پرداخت وجه چک به مدیون اصلی (منوب‌عنه) رجوع نماید (دمیرچیلی، ۱۳۸۸، ص. ۶۶۵ - ۶۶۶). بنابراین در فرض ما چنانچه وکیل در حدود اختیاراتی که توسط موکل به وی تفویض شده چک را صادر نموده باشد نماینده قانونی محسوب شده و در قبال دارنده سند نسبت به تأمین محل چک مسئولیت ندارد، در غیر این صورت مسئول است. مطابق قوانین، اقامه دعوا علیه یک یا چند نفر از مسئولین موجب اسقاط حق رجوع به سایر مسئولین برات نیست. اقامه‌کننده دعوا ملزم به رعایت ترتیب ظهرونی از حیث تاریخ نمی‌باشد. ضامنی که ضمانت برات دهنده یا محال‌علیه یا ظهرونی را کرده فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت نموده و به استناد مواد ۲۸۷-۲۸۹ ق.ت. اگر دارنده براتی که باید در ایران تأدیه شود به علت عدم پرداخت اعتراض شده بخواد از حقی که در ماده ۲۴۹ برای او مقرر داشته استفاده نماید باید در ظرف یک سال از تاریخ اعتراض اقامه دعوا نماید و در مورد برواتی که باید در خارجه تأدیه شود اقامه دعوا علیه برات‌دهنده یا ظهرونی‌های مقیم ایران ظرف دو سال از تاریخ اعتراض باید به عمل آید. پس از انقضای مدت مذکور دیگر دعوای دارنده برات به ظهرونی‌ها

و همچنین دعوی هر یک از ظهرنویس‌ها نسبت به‌ید سابق خود و دعوی دارنده‌برات و ظهرنویس‌ها علیه برات‌دهنده در محکمه پذیرفته نمی‌شود مگر این که برات‌دهنده ثابت نماید در سر موعد وجه برات را به محال‌علیه رسانده که در این صورت دارنده برات فقط حق مراجعه به محال‌علیه را خواهد داشت. ماده ۳۰۹ ق.ت نیز حکم مزبور را در خصوص سفته نیز قابل تسری دانسته است. طبق مواد ۳۱۵ و ۳۱۷ «اگر چک در همان مکانی که صادر شده باید تأدیه گردد دارنده چک باید ظرف ۱۵ روز از تاریخ صدور وجه آن را مطالبه نماید در غیر این صورت دیگر دعوی او مسموع نخواهد بود و اگر وجه چک به سببی که مربوط به محال‌علیه است از بین برود، دعوی دارنده چک علیه صادرکننده نیز در محکمه مسموع نیست. در مورد چک‌هایی که در خارجه صادر شده و باید در ایران پرداخت شود نیز این حکم رعایت خواهد شد، لیکن مهلتی که در ظرف آن دارنده چک می‌تواند وجه چک را مطالبه کند چهار ماه از تاریخ صدور است». در خصوص مسؤلیت تضامنی ضامنی رأی وحدت رویه ش ۵۹۷-۱۳۷۴/۴/۱۲ ه.ع.د.ع.ک. مقرر می‌دارد که مهلت یک سال مقرر در ماده ۲۸۶ ق.ت. جهت استفاده از حقی که ماده ۲۴۹ برای دارنده برات یا سفته منظور نموده است در مورد ظهرنویس به معنای مصطلح کلمه است و ناظر به شخصی که ظهر سفته را به عنوان ضامن امضا نموده نمی‌باشد؛ زیرا با توجه به طبع ضمان و مسؤلیت ضامن در هر صورت در قبال دارنده سفته یا برات محدودیت مذکور در ماده ۲۸۶ در باره ضامن مورد ندارد. بنابراین رأی شعبه ۲۳ د.ع.ک. صحیح و منطبق با موازین قانونی است. مسؤلیت تضامنی ضامنی یعنی شخصی پشت سند تجاری را نه به عنوان انتقال، بلکه به عنوان ضامن امضا کند. در این صورت مسؤلیت ضامن با صادرکننده و یا متعهدین دیگری که ضمانت آن‌ها را کرده‌اند تضامنی است. ملاک تشخیص ظهرنویسی (انتقال، ضمانت، وثیقه، وکالت، نمایندگی) را ماده ۲۷۴ ق.ت «انتقال برات دانسته مگر این که ظهرنویس وکالت در وصول را قید نموده باشد...» مشخص کرده که در واقع اصل بر انتقال است اگر شخصی فقط ظهر سند تجاری را امضا نموده و ظهرنویسی تحت عناوین دیگر نیازمند تصریح است (بهرامی، ۱۳۹۳، ص. ۱۷۴) در ظهرنویسی انتقالی صرف امضا کافی است، و ظهرنویسی ضامنی نیازمند تصریح است. همچنین در ظهرنویسی انتقالی دارنده سند آن را ظهرنویسی و حق متعلق به خود را به دیگری واگذار می‌کند، حال آن‌که در ظهرنویسی ضامنی شخص ثالث ظهر آن را امضا و از صادرکننده و متعهدین ضمانت می‌نماید. ضمن این که ضامن تنها با کسی که از وی ضمانت نموده در قبال دارنده سند تجاری مسؤلیت تضامنی دارد، در عین این که ظهرنویس با متعهد و کلیه ظهرنویسان مسؤلیت تضامنی دارند. و نهایتاً این که مستفاد از مواد ۲۹۰-۲۸۶ و مواد ۳۱۷، ۳۰۵، ۳۰۹ ق.ت. برای استفاده از حقی که ماده ۲۴۹ برای دارنده سند تجاری مقرر داشته، باید نسبت به درخواست در مهلت قانونی اقدام نموده باشد ولی رعایت مواعد مزبور در خصوص دعوی علیه ضامن ضرورت ندارد.

و اما در خصوص مسؤلیت تضامنی ترتیبی؛ طبق ماده ۴۰۲ ق.ت «ضامن وقتی حق دارد از مضمون‌له تقاضا نماید، که بدو به مدیون اصلی رجوع کرده و در صورت عدم وصول طلب به او رجوع نماید که بین طرفین (ضمن قرارداد یا ضمانتنامه) این ترتیب مقرر شده باشد» به موجب این ماده با انعقاد ضمان، ذمه بدهکار اصلی بری نمی‌شود و عقد ضمان موجب انتقال دین مدیون اصلی به ضامن نمی‌گردد. فلذا بدهکار اصلی با ضامن در برابر بستانکار مسؤلیت دارند. عقد ضمان در این ماده یک وثیقه شخصی برای بستانکار است و تعهد ضامن نسبت به تعهد بدهکار اصلی جنبه تبعی دارد. فلذا درخواست ترتیب رجوع در ماده ۴۰۲ ق.ت. بدو به مضمون‌عنه و سپس به ضامن منوط به شرط است؛ و فرض قانونگذار این است که به محض انعقاد عقد ضمان تجاری، مضمون‌عنه حق رجوع به هر یک را مستقیماً دارد، مگر رعایت ترتیب شرط شده باشد، هر چند که طرز نگارش این ماده قابل انتقاد است. اما مسؤلیت تضامنی وثیقه‌ای ضمانی است که به موجب آن ذمه ضامن، وثیقه ذمه مضمون‌عنه می‌شود؛ بدین ترتیب که مضمون‌له برای وصول طلب خود ابتدا باید به مدیون اصلی رجوع کند، و اگر نتوانست طلب خود را وصول نماید، به ضامن مراجعه خواهد نمود. مسؤلیت ضامن در اخذ وام بانکی و قرض الحسنه را می‌توان جزء مسؤلیت تضامنی وثیقه‌ای یا طولی قرار داد (بهرامی، ۱۳۹۳، ص. ۱۷۷). حال چنانچه در قراردادی ضامن و مدیون متضامناً متعهد پرداخت دین مضمون‌له شوند، می‌توان برای چنین قراردادی قائل

به صحت بود؟ و این که مفاد ماده ۶۹۸ ق.م.ا.م است و تراضی بر خلاف آن نافذ نیست، یا این که از قواعد تکمیلی است؟ اهمیت بحث جایی است که نظیر چنین قراردادهایی در جامعه امروز ما به وفور یافت می‌شود و پذیرش صحت آن متضمن حفظ حقوق بستانکار است و دامنه حق مطالبه او را توسعه می‌دهد. مثلاً در صورت ورشکستگی یا اعسار و یا فرار یکی از آن دو، فرصت مراجعه به دیگری برای او محفوظ می‌ماند. برخی معتقدند ضمانی که در آن ذمه مضمون‌عنه باقی بماند خلاف قاعده است (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص. ۳۴۵) و ناگزیر چنین قراردادی را باید باطل دانست، برخی معتقدند مدلول ماده ۶۹۸ امری نیست و تراضی بر خلاف آن ممکن است (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۷۸، ص. ۳۰۱). به نظر می‌رسد از آنجا که ماده ۶۹۹ ق.م.ا.م تعلیق در ضمان را صریحاً باطل اعلام نموده، تراضی بر خلاف ماده مزبور بلا اثر و در نتیجه ضمان تضامنی را جز در امور تجارته نمی‌توان صحیح دانست. از طرفی چون قسمت اخیر ماده ۶۹۹ و ۷۲۳ ق.م.ا.م تعلیق در التزام به تأدیه را که نتیجه همان تعلیق در ضمان است صحیح دانسته؛ اگر ضمان به صورت تضامنی واقع شود، ممکن است بگوییم آن‌ها التزام به تأدیه را معلق نموده‌اند، یا ضمان مزبور مصطلح نبوده و قراردادی است، که در حدود ماده ۱۰ ق.م.ب. طرفین لازم‌الوفاست. همچنان که فقهاء در مورد ضمان عهده مجبور شده‌اند که از مبنای خود (نقل ذمه) دست بردارند و به گونه‌ای ضم‌ذمه را بپذیرند... حال که معلوم می‌شود پذیرفتن این گونه موارد و مسئول دانستن بیش از یک نفر هیچ اشکال عقلی یا نقلی بوجود نمی‌آورد؛ بنابراین لزومی ندارد که ما خود را در چهارچوب عهده ضمان درک مبیع و ثمن محدود سازیم، بلکه می‌توانیم آن را در تمامی ضمان تعهدات جاری نماییم (حائری، ۱۳۷۳، ص. ۱۱۵ - ۱۱۶).

با این همه در خصوص میزان مسئولیت حقوقی صادرکنندگان متعدد، اداره حقوقی قوه قضائیه اظهار داشته: «... صدور حکم محکومیت تضامنی ایشان به پرداخت جزای نقدی بدون وجود نص خاص وجه قانونی ندارد» (نظریه شماره ۱۳۳۸/۶/۸-۷/۲۷۵۳-ا.ح.ق.ق). طبق قواعد حاکم، اگر وکیل یا نماینده در انجام امر مورد وکالت، از حدود اذن و اختیار خود تجاوز نکند؛ مسئولیتی متوجه وکیل نیست و اقدامات انجام شده و مسئولیت آن دامن‌گیر موکل است (کاتوزیان، ۱۳۹۸، ص. ۱۸۹/۴). در مورد سفته و برات نیز اگر نماینده، در صدور و امضای سفته یا برات از اختیارات لازم برخوردار باشد، موکل که سفته یا برات از سوی وی صادر شده، مسئول پرداخت وجه آن است، و نماینده مسئولیتی نخواهد داشت؛ در واقع، در اسناد تجاری «قاعده کلی در نمایندگی حکایت از مسئولیت اصیل دارد، مگر در مواردی که نماینده ادعایی فاقد نمایندگی بوده و یا از حدود اختیار تجاوز کرده باشد، و یا وجود داشتن اختیار کافی در هنگام امضا به نمایندگی خود در سند تصریح ننموده و هویت منوب‌عنه را افشا نکرده باشد» (نیک فرجام، ۱۳۹۲، ص. ۱۷۹ / ۶۲). از جمله اهداف قانون‌گذار در پیش‌بینی مسئولیت نماینده‌ای که اقدام به صدور چک می‌نماید؛ می‌توان به ضرورت رعایت دقت و احتیاط‌های لازم از سوی اشخاصی که به نمایندگی مباردت به صدور چک می‌نماید، و جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی در صدور چک و افزایش اعتبار آن اشاره کرد (درویشی، ۱۳۹۵، ص. ۵۹ / ۸۵).

بنابراین طبق اصول حقوق مدنی، اگر تعهدات ناشی از اسناد تجاری در حدود وکالت عمل شده باشد، بر عهده موکل است، و اگر صادرکننده به وکیل بودن خود تصریح نموده باشد، از آنجا که تعهدی بر عهده نگرفته است، مسئول تأمین محل چک نیست. اما هرگاه رابطه وکالتی بین آمر و صادرکننده بر ثالث معلوم نباشد، وکیل شخصاً مسئول تلقی می‌شود، و مسئولیت او تضامنی است، هر چند که وی حق رجوع به موکل را دارد. در خصوص مسئولیت تضامنی صادرکنندگان متعدد یک فقره چک، کمیسیون نشست قضایی در قم، نظر اقلیت را با توجه به مفاد ماده ۲۴۹ ق.ت. و تنقیح مناط از ماده ۱۹ ق.ص.چ. و توجه به صراحت مواد ۳۱۴ و ۲۴۹ ق.ت. و مفاد رأی اصراری ش ۲۰-۱۳۶۹/۸/۱۵- مسئولیت امضا کنندگان چک تضامنی خواهد بود؛ و توافق امضا کنندگان در بانک ... خلاف اصل، و به جهت حمایت از زیان‌دیده تأثیری در مقابل دارنده ندارد، در نتیجه نظریه اقلیت تأیید می‌شود» را پذیرفته که با مدافه در نظر اقلیت آن‌ها در صورتی قائل به مسئولیت تضامنی هستند که مسئولیت هر کدام از صادرکنندگان در بانک محال‌علیه مشخص نباشد، در عین این که طبق ماده ۵ مشخصات نماینده توسط بانک محال‌علیه ثبت می‌شود، و این در حالی است که تبصره ۳

ماده ۵ مکرر تصریح بر مسؤلیت تضامنی صاحب حساب و وکیل دارد، و توافق بر تعیین میزان مسؤلیت را خلاف اصل می‌داند. برخی معتقدند که اگر صادرکنندگان چک و صاحبان امضاء میزان مسؤلیت خود را در بانک به‌دارنده چک اعلام نمایند، و موید باشد، در این صورت مسؤلیت آن‌ها تضامنی نخواهد بود، بلکه به‌میزان مسؤلیت آنان در بانک است (سالاری، ۱۳۹۴، ص. ۳۲۰). با این حال با توجه به تصریح قانون، باید گفت که مسؤلیت نماینده و صاحب حساب در برابر دارنده، تضامنی است. اما در خصوص رجوع همزمان دارنده سنتجاری به ضامن و صادرکننده نیز؛ در مواردی که شخصی ضامن سنتجاری است، و دارنده بدو علیه صادرکننده اقدام نموده، و نهایتاً حکم به تقسیط محکوم‌به صادر شده آیا دارنده حق دارد به‌طرفیت ضامن نیز دادخواست مطالبه وجه همین چک را بدهد؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ آن پس از صدور حکم محکومیت ضامن، صدور حکم تقسیط محکوم‌به نیز صحیح است؟ با قبول قاعده کلی ضم‌ذمه در امور تجاری و نقل‌ذمه امور حقوقی به استناد مواد ۴۰۳، ۴۰۲، ۲۴۹، ق.ت. و ۷۱۷ ق.م، به تصریح ماده ۲۴۰ اقامه دعوا بر علیه یک یا چند نفر از مسئولین موجب اسقاط حق رجوع به سایرین نیست، و در مانحن‌فیه دارنده حق رجوع همزمان به ضامن و صادرکننده را دارد. قسمت دوم سؤال؛ چنانچه حکم تقسیط محکوم‌به برای صادرکننده صادر شود، این امر با توجه به قاعده کلی، مانع تقسیط محکوم‌به برای ضامن نیست، متها دادگاه باید در حکم تقسیط دوم خود به حکم تقسیط سابق‌الصدور اشاره و اعلام نماید که اجرای این احکام تا زمانی است که اصل محکوم‌به استهلاک شود، تا محکوم‌له چیزی مازاد بر حق خود تصاحب نکند (سالاری، ۱۳۹۴، ص. ۲۸۳ - ۲۸۴).

مسؤلیت تضامنی صادرکنندگان چک به موجب نظریه نقل‌ذمه به‌ذمه

سابق بر این گفتیم اگر صادرکنندگان چک متعدّد باشند طبق تبصره ۳ ماده ۵ ق.ص.ج مصوب ۹۷ مسؤلیت آن‌ها در قبال دارنده سنتجاری تضامنی است. در فقه بحث مسؤلیت تضامنی در باب ضمان و از نظر فقه امامیه، نظریه نقل‌ذمه حاکم است که در ق.م. نیز سبب نقل‌ذمه خواهد شد. طبق ماده ۶۹۸ بعد از این که ضمان به‌طور صحیح واقع شد ذمه مضمون‌عنه بری و ذمه ضامن به‌مضمون‌له مشغول می‌شود. فلذا چنانچه شخصی از دیگری ضمانت نماید، ذمه مدیون بری می‌شود و ضامن که دین او را بر عهده گرفته است، ذمه وی در برابر طلبکار مشغول می‌شود که طلبکار نیز حق رجوع به مدیون اصلی را ندارد، و تنها قادر است جهت مطالبه طلب خویش به ضامن رجوع نماید (بهرامی، ۱۳۹۳، ص. ۱۵۶).

بر اساس حاکمیت نقل‌ذمه در ضمان اگر دارنده چک به بانک مراجعه نماید و حساب صادرکننده فاقد محل باشد، در این صورت وکیل که به‌نمایندگی از موکل اقدام به صدور چک نموده به استناد تبصره ۳ ماده ۵ و ماده ۱۹ ق.ج. در قبال دارنده ضامن است، اما از منظر عقد حواله که مقسم ضمان است، حقوقدانان معتقدند که اثر حواله انتقال دین از ذمه محیل به ثالث است که حواله بر عهده او صادر می‌شود؛ یعنی پس از تحقق حواله ذمه محیل از دینی که حواله داده بری، و ذمه محال‌علیه مشغول می‌شود (ماده ۷۳۰ ق.م). بنابراین نظر برخی از فقهای عامه (سیواسی، بی‌تا، ص. ۲۳۸ / ۷ - ۲۴۰) که دین محیل را باقی می‌دانند و فقط حق مطالبه از او را به محال‌علیه منتقل می‌پندارند، یا محال را در رجوع به محیل و محال‌علیه هر دو مختار می‌دانند، اما موید قانون مدنی نیست. با وجود این، طبق مفاد عرفی حواله به‌جای محیل، محال‌علیه عهده‌دار دین شود، و اشکالی پیش نمی‌آید که در حواله‌ای شرط شود که محیل ضامن تأدیه طلب باشد، و طلبکار بتواند به‌وی مراجعه نماید. وجود شرط بدین منظور است که پس از محقق شدن حواله و منتقل شدن دین به ذمه محال‌علیه، محیل که اکنون برائت حاصل نموده از بدهکار ضمانت تضامنی نماید (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص. ۴ / ۳۹۲). گرچه شباهت‌های زیادی بین ضمان و حواله مبنی بر انتقال دین وجود دارد، ولی در تفاوت ضمان و حواله بر انتقال دین، محققان معتقدند؛ در عقد ضمان بیگانه دین بدهکار را مبنی بر توافقی در برابر دائن بر عهده می‌گیرد اما در حواله پیشنهاد با محیل است و او دین را به بیگانه احاله می‌کند و اراده اش مبنای رضایت واقع می‌شود (آل‌کاشف‌الغطاء، ۱۳۵۹، ص. ۲ / ۲۷۳). ضمن این که در حواله کامل محال‌علیه مدیون بدهکار است، و با قبول حواله از دینی که در برابر بدهکار دارد برائت حاصل می‌نماید، و در مقابل دین محیل در

برابر طلبکار برعهده او استقرار می‌یابد، لذا علاوه بر انتقال طلب بدهکار به محال‌علیه، دین او نیز از بدهکار به طلبکار منتقل می‌شود و بدین ترتیب عقد حواله ترکیبی از انتقال دین و طلب خواهد بود (امامی، بی‌تا، ص. ۲۳۸/۲). در حواله گاه دو مدیون (محیل و محال‌علیه) و لاقل یک مدیون (محیل) وجود دارد، و شرط تحقق حواله در هر دو صورت رضای مدیون است اما در ضمان تنها یک مدیون وجود دارد و رضای او شرط تحقق ضمان نیست (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص. ۴/۳۹۴).

طبق ماده ۶۸۴ ق.م.ضامن؛ متعهد در عقد ضمان است، و مسئول خسارت مالی و مسئول مدنی و جزایی مستعمل در فقه است (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۵، ص. ۴۱۴) طبق ماده ۲۴۹ ق.ت. «...ضامنی که ضمانت برات‌دهنده یا محال‌علیه یا ظهرنویسی را کرده، فقط با کسی که از او ضمانت کرده مسئولیت تضامنی دارد». اولاً برات‌دهنده، برات‌گیر و ظهرنویس می‌توانند دارای ضامن باشند. ثانیاً مسئولیت ضامن همانند مضمون‌عنه او تضامنی است و مقنن مسئولیت ضامن را به‌طور مستقل شناخته، بلکه در چهارچوب مسئولیت مضمون‌عنه قائل به مسئولیت ضامن شده است. اگر دارنده سند به‌وظایف قانونی خود ظرف موارد مضیق مقرر عمل ننماید، حق مراجعه خویش را به‌برخی از مسئولان از دست می‌دهد. مسلماً منظور مقنن از اینکه ضامن فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت کرده این است، اگر دارنده نتواند به مضمون‌عنه مراجعه نماید، به ضامن او نیز حق رجوع ندارد. «صدور چک ولو این که از محلی به محل دیگر باشد، ذاتاً عمل تجارته محسوب نیست، لیکن مقررات این قانون از ضمانت صادر کننده و ظهرنویس‌ها و اعتراض و اقامه دعوی ضمان و مفقود شدن راجع به بروات شامل چک نیز خواهد بود». در ماده ۳۱۴ بعد از کلمه اقامه دعوی، حرف عطف «و» را اضافه کرده‌اند، در حالی که در متن مصوب مجلس این حرف وجود ندارد. با وجود حرف «و» چنین برداشت می‌شود که مقررات مربوط به ضمان در برات، در چک نیز اعمال می‌شود، در حالی که با عبارت اقامه دعوی ضامن روشن است که شامل خود ضامن نمی‌شود، بلکه فقط نحوه شکلی طرح دعوا را شامل می‌شود. مسلماً مراد قانون‌گذار از «اقامه دعوی ضامن» این است که اگر دارنده سند بخواهد دعوی در مورد مسئولیت تضامنی صادرکننده و ظهرنویسان چک اقامه نماید، باید مقررات مربوط به اقامه دعوی راجع به برات را اعمال نماید، از جمله اینکه ظرف مواعد مقرر در موارد ۲۸۶ و ۲۸۷ دادخواست خود را به‌ثبت برساند. اگر می‌بینیم که در ماده ۳۱۴ مسئله دخالت ضامن در چک پیش‌بینی نشده، به‌لحاظ آن است که اصولاً در این بند مداخله ضامن خالی از وجه است. همانطوری که می‌دانیم چک ابزاری است که قانوناً باید برای پرداخت‌های نقدی مورد استفاده قرار گیرد و زمانی باید صادر شود که یا صادرکننده بخواهد وجوهی را که نزد محال‌علیه دارد خود مسترد دارد، و یا اینکه قصد داشته باشد پرداختی نقداً به‌نفع دیگری انجام دهد. همچنین از ماده ۳۱۰ ق.ت. به روشنی مستفاد می‌شود که چک دستور پرداخت است، و نباید وعده‌دار باشد، و هم‌اینکه ماده ۳۱۱ وعده‌دار نبودن را از جمله شرایط اساسی چک برشمرده است. بنابراین وقتی چک را دارنده آن می‌تواند به محض دریافت به‌بانکی که به‌عهده آن صادر شده ارائه و وجه آن را مورد مطالبه قرار دهد، دخالت ضامن توجیهی ندارد. اساساً «وقتی شخصی حاضر می‌شود بابت طلب خود از بدهکارش چکی قبول نماید، مسلماً برای او ارزش و اعتبار قائل است، بدین‌نحو که او را می‌شناسد، با او روابط تجاری قبلی داشته و به‌تجربه دریافته که معتبر و خوش حساب می‌باشد، و می‌پذیرد که به‌جای پول چک دریافت نماید، و با فرض اعتبار داشتن صادرکننده و لحاظ اطمینان به پرداخت، معمولاً افراد ترجیح می‌دهند که به‌جای وجه نقد، چک دریافت نمایند. لذا وقتی پذیرش چک با اعتقاد برخوردار از اعتبار لازم جهت پرداخت صورت می‌گیرد، دخالت ضامن قابل توجیه نیست. نتیجه اینکه اگر در ماده ۳۱۴ ق.ت. و یا در ق.ص.چ. مداخله ضامن پیش‌بینی نشده از این باب بوده است (لذا مقررات ضمان در سفته و برات در مورد چک اجرا نمی‌شود و برای تشخیص مسئولیت ضامن در چک باید به مقررات قانون مدنی مراجعه کنیم؛ چون در حقوق ایران تضامن استثنا می‌باشد). در باب دهم ق.ت. ایران ۱۰ ماده (ماده ۴۰۲ تا ۴۱۱) به ضمانت اختصاص یافته که طبق ماده ۴۰۳ «در کلیه مواردی که به‌موجب قوانین یا موافق قراردادهای خصوصی ضمانت تضامنی باشد، طلبکار می‌تواند به ضامن و مدیون اصلی مجتمعاً رجوع کرده، یا پس از رجوع به یکی

از آن‌ها و عدم وصول طلب خود برای تمام یا بقیه طلب به دیگری رجوع نماید». برای ماده ۴۰۴ حکم مقرر در ماده ۴۰۳ در مواردی نیز جاری است که چند نفر طبق قرارداد، یا مطابق قانون متضامناً مسئولیت انجام تعهدی را به عهده گرفته باشند. اصولاً در نظام حقوقی، اصل بر این است که در صورت تعدد مسئولین، مسئولیت آن‌ها مشترک یا نسبی است، و تضامن خلاف قاعده بوده و محتاج به نص می‌باشد. بنابراین، اصل، مشترک بودن یا نسبی بودن مسئولیت مسئولان و استثناً، مسئولیت تضامنی است و همانطور که مواد ۴۰۳ و ۴۰۴ بیان داشته‌اند مسئولیت تضامنی محتاج به نص قانونی یا قراردادی است، و هر کجا قانون و یا قرارداد صراحتاً مسئولیت را تضامنی نشانخته، باید به قاعده مراجعه نمود و مسئولیت را مشترک و یا نسبی دانست، چنان که عده‌ای از محققین ق.ت نیز قائل بر همین نظر می‌باشند. (دمیرچیلی، ۱۳۸۸، ص. ۵۱۷).

علاوه بر آن هر قانونی که حکم بر مسئولیت تضامنی داده باشد، باید به نحو مضیق تفسیر شود، بدین ترتیب که اگر قانون یا قرارداد مسئولیت را تضامنی اعلام کرده باشد، ولی در موردی خاص تصریحی به عمل نیامده باشد، نمی‌توان به تفسیر موسع دست زد، و مسئولیت فردی را که صراحتاً تضامنی شناخته نشده تضامنی تشخیص داد. مسلماً مادام که قانون‌گذار، چنین مسئولیتی را صراحتاً به وجود نیاورده، چاره‌ای جز مسئولیت مشترک مسئولان نیست؛ زیرا در حقوق ما اصل، نسبی بودن مسئولیت جمعی است (فخاری، جزوه درسی حقوق تجارت ۳) و دیوان عالی نیز در رأی ش ۵۲۵ - ۶۹/۱۰/۲۳ « هرگاه دهنده سفته دو نفر باشند نسبت به یکدیگر مسئولیت تضامنی ندارند» و ماده ۱۸ ق.ص.چ. در خصوص اخذ وجه الضمان از صادرکنندگان متعدد همین نظر را پذیرفته و قائل به حاکم بودن مسئولیت نسبی است (دمیرچیلی، ۱۳۸۸، ص. ۵۱۸). بنابراین بر اساس مقررات باب دهم ق.ت. نیز در صورتی که شخص به عنوان ضامن صادرکننده یا ظهرنویس در چک مداخله نماید، نمی‌توان او را همانند صادرکننده و ظهرنویس چک به نحو تضامنی مسئول شناخت اما طبق ماده ۳۱۴ که مقررات آن را از ضمانت صادرکننده و ظهرنویس‌ها و اعتراض و اقامه دعوا و ضمان و مفقود شدن راجع به بروات را شامل چک می‌داند، لذا مسئولان چک در مقابل دارنده مسئولیت تضامنی دارند (اسکینی، ۱۳۸۵، ص. ۲۳۵). به استناد ماده ۶۸۷ ق.م. اگر مضمون عنه به دلیل عدم اهلیت و عدم رضا مسئول نباشد، ضامن کماکان مسئول است، که این راه حل از اصل استقلال امضات کلیه مسئولان ناشی می‌شود «ضامن شدن از محجور و میت صحیح است» و از طرفی ضامن اگر سهواً یا عمداً باعث ورود ضرر به کسی شود باید جبران خسارت نماید (ماده ۱ ق.م.م)، لذا ضامن در هر حال ضامن است؛ مگر اینکه به استناد ماده ۴۰۸ ق.ت (سقوط دین اصل = برائت ضامن). لذا در صورتی که مضمون عنه بری شده باشد، مسئولیت ضامن منتفی می‌شود. بر اساس اصل استقلال امضات، کلیه امضاکنندگان اسناد تجاری به صرف امضا دارای مسئولیت تضامنی هستند. از طرفی مسئولیت ضامن تبعی است؛ و چون قانونگذار بیان می‌کند اگر به هر نحوی دین ساقط شود ضامن نیز بری می‌گردد، لذا ضامن مسئول نیست، گرچه نظر اول در رویه قضایی بهتر است و وضع طلبکار را بهتر جبران می‌نماید (قبادی، ۱۳۹۳، ص. ۱۲).

مسئولیت تضامنی صادرکنندگان چک به موجب نظریه ضمه‌به‌ذمه

به موجب ماده ۲۴۹ ق.ت نظریه ضمه‌به‌ذمه پذیرفته شده است و در تحلیل اسناد تجاری باید از نظریه تضامنی تبعیت شود. اما در خصوص وصف تضامنی باید دانست که اغلب فقهای عامه ضمان را مشتق از ضم می‌دانند، و حرف «نون» را زائد دانسته‌اند، « آنها ضم ذمه‌ای ذمه فی المطالبه بنفس او دین او عین فالأقسام ثلاثه كفالة بالنفس و كفالة بالدين و كفالة بالعین » (الجزیری، ۱۴۱۹، ص. ۲۶۵/۳) در ق.ت. مقنن با پذیرش نظریه ضمه‌به‌ذمه مسئولیت تضامنی را برای ظهرنویسی انتقالی بیان کرده است « برات دهنده و کسی که برات را قبول کرده و ظهرنویس‌ها در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند. دارنده برات در صورت عدم تأدیه و اعتراض می‌تواند به هر کدام از آن‌ها بخواهد منفرداً یا به چند نفر یا به تمام آن‌ها مجتمعاً رجوع نماید، همین حق را هر یک از ظهرنویس‌ها نسبت به برات دهنده و ظهرنویس‌های ماقبل خود دارد» (ماده ۲۴۹).

در فقه ظَهر به معنای مقابل، روبرو و پشت و به طور استعاره مکان نشستن «إِنَّمَا اخْتَصَّوْا الظَّهْرَ لِمَكَانِ الرُّكُوبِ» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳/ ۴۷۱ - ۴۷۲، قرشی، ۱۴۱۲، ص. ۲۷۵/۴) است و ظهرنویسی عبارت است از؛ این که دارنده سنددین و مخصوصاً سندتجاری در پشت سند دستور یا اِذْن می دهد که مبلغ سند را به شخص دیگری بدهد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵، ص. ۴۳۸) یا دارنده سندتجاری مطالبی را که حاکی از منظور اوست در پشت سند بنویسد و امضا نماید. به دیگر سخن ظهرنویسی آن است که دارنده سندتجاری به موجب آن دستور می دهد تا مبلغ مندرج در سند به شخص دیگری پرداخت گردد. با ظهرنویسی وکالت در اخذ وجه سند را به شخص دیگری می دهد، و یا به موجب آن وجه سند را به دیگری منتقل می نماید. ظهرنویسی با امضا در پشت سندتجاری و یا بر روی ورقه دیگری که به سند الصاق می گردد، با قید مراتب به عمل می آید، و ممکن است به طرق دیگری نیز باشد، مثل این که در قرارداد جداگانه ای بدون این که در ظهر سند امضا شود ظهرنویسی به عمل آید، که در این حالت دیگر انتقال دهنده با صادرکننده مسؤولیت تضامنی ندارد، مگر این که بدین امر تصریح شده باشد. در حقیقت این واگذاری در حکم انتقال طلب است و مشمول مقررات خاص ظهرنویسی نیست (بهرامی، ۱۳۹۳، ص. ۱۸۰). مقسم های ظهرنویسی عبارتند از؛ ظهرنویسی توکیلی (اختیار وکیل در اخذ وجه سند به حساب ظهرنویس) و ظهرنویسی ناقل (انتقال وجه سند به نافع) و ظهرنویسی وثیقه ای (پیدایش حق یک بستانکار با وثیقه مشروط به قید آن) (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵، ص. ۴۳۸).

مسؤولیت ظهرنویس: طبق ماده ۳۱۲ ق.ت. چک... ممکن است به صرف امضا در ظهر به دیگری منتقل شود. ممکن است این توهم بوجود آید که شرط تحقق انتقال سندتجارتی از طریق ظهرنویسی این است که، دارنده سند حتماً اقدام به امضا نماید و در صورتی که بجای امضاء از مهر استفاده کند انتقال واقع نمی شود. لیکن حق این است که در اینجا امضا از آن چنان خصوصیتی برخوردار نیست که فقدان آن و جایگزینی مهر موجب گردد که انتقال حقوقی دارنده سند به منتقل آلیه و مسؤولیت وی در قبال وی به وجود نیاید. وقتی برات و سفته با مهر صادرکننده می تواند موجودیت پیدا کند، چرا ظهرنویسی آنها نتواند با مهر تحقق پیدا کند، و وقتی ظهرنویسی برات و سفته را با توجه به استدلال منظور بپذیریم، چرا ظهرنویسی چک را با مهر مورد قبول قرار ندهیم (فخاری، مسؤولیت امضاکنندگان اسنادتجاری). ماده ۲۴۹ ق.ت. تصریح دارد بر تضامنی بودن مسؤولیت امضاکنندگان اسنادتجاری. یعنی دارنده سند در صورت مراجعه به متعهد اصلی و عدم تأدیه وجه سند حق دارد به کلیه امضاکنندگان و یا برخی از آنان جهت مطالبه وجه سند رجوع نماید. ضمن این که اقامه دعوی بر علیه یک یا چند نفر از مسئولین موجب اسقاط حق رجوع به سایر مسئولین نمی شود. علاوه بر آن در مراجعه دارنده سند به اشخاص مسئول، ملزم نیست که ترتیب تعهد آنان را از حیث تاریخ رعایت نماید. پرواضح است که مسؤولیت تضامنی فرع بر تعدد مسئولین می باشد و در صورتی فرض مزبور متصور است که حداقل دو نفر مسئول وجود داشته باشد. در نظام حقوقی ما، در مسؤولیت جمعی، اصل؛ مسؤولیت نسبی یا مشترک است، و مسؤولیت تضامنی کاملاً جنبه استثنایی دارد، و برقراری آن منوط به نص خاص همچون قانون یا قرارداد است که مقنن در ماده ۴۰۳ ق.ت. بدان تصریح نموده است. از طرفی در صورتی که شرطی در اسنادتجارتی مبنی بر سلب ظهرنویسی از دارنده درج شده باشد، و یا عبارت حواله کرد در لاشه چک خط خورده باشد، این شرط با توجه به این که مخالف با جوهر و ذات انتقال پذیری اسنادتجارتی است، و ظهرنویسی جزء شرایط اساسی و لاینفک اسناد به شمار می رود، و جزء قواعد آمره است، بنابراین اشخاص نمی توانند به واسطه چنین شروطی، اصل انتقال پذیری اسناد را از ذات اسنادتجاری سلب نمایند. در قوانین ما مطابق ماده ۲۴۹ ق.ت. برات دهنده و کسی که برات را قبول کرده و ظهرنویس ها، در مقابل دارنده برات مسؤولیت تضامنی دارند. لذا ظهرنویس نمی تواند با قید شرطی مسؤولیت خود را مطلقاً محدود یا منتفی سازد. من باب مثال ظهرنویسی بدون تضمین قید نماید. تنها یک مورد استثنایی در ماده ۲۷۶ ق.ت. بیان شده « اگر ظهرنویسی برای تقاضای قبولی، مدتی تعیین کرده باشد، دارنده برات باید در مدت مزبور تقاضای قبولی نماید، و الا در مقابل آن ظهرنویس نمی تواند از مقررات مربوطه به بروات استفاده کند». نکته مهم و اساسی اینکه برای درخواست وجه چک از ظهرنویس و

انتفای مسؤولیت وی مطابق مواد ۳۱۵ و ۳۱۷ ق.ت، قانونگذار شرایطی را مبنی بر این‌که؛ اگر چک بایستی در همان مکانی که صادر شده تأدیه گردد، دارنده چک ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ صدور باید وجه آن را مطالبه کند، و اگر از یک نقطه به نقطه دیگر صادر شده باشد باید ظرف مدت ۴۵ روز مطالبه گردد؛ و اگر چک در خارج صادر شده و باید در ایران پرداخت شود، باید چهار ماه از تاریخ صدور، وجه چک مطالبه شود، و چنانچه در مواعد مذکور وجه آن را مطالبه نکند، دعوی دارنده علیه ظهرنویس مسموع نخواهد بود؛ که عدم توجه به آن موجب سلب مسؤولیت از آنان خواهد شد. باین‌همه صادرکننده در هر صورت مسؤل است، اما برای مسؤولیت ظهرنویس قانون شرایطی را منظور نموده که رعایت آن ضروری می‌نماید.

نتیجه‌گیری

چک از اسناد تجاری و تنها وسیله پرداخت که مهمترین فایده آن عمل به تعهدات بدون استفاده از پول است. محققان با اختلاف نظر در ماهیت چک آن را از بعد فقهی همسو با عقد حواله دانسته‌اند؛ چرا که موجب انتقال دین از ذمه مدیون به ذمه شخص ثالث می‌شود. در واقع چک سند دین است که حاکی از بدهکار بودن صادرکننده آن به مقدار مبلغ چک می‌باشد. فقهای معاصر چک را از اوراق نقدی نمی‌دانند و برای آن ارزش مستقلی قائل نیستند و تنها آن را سندی معتبر و قانونی می‌دانند. با توجه به این‌که وکیل از طرف موکل مامور انجام امور تعیین شده می‌باشد صحت صدور چک توسط نماینده قانونی منوط به انجام آن در محدوده اختیارات تفویضی و مشروعیت جهت صدور آن است. نسبت به مسؤولیت صادرکنندگان چک در تأمین محل آن، نظرات متفاوتی اعم از نسبی و تضامنی با توجه به آرای صادره از مراجع قضایی ارائه شده است، اما مقنن در ماده ۱۹ و تبصره ۲ و ۳ ماده ۵ ق.ا.ص.ج. مصوب ۹۷ مسؤولیت صادرکنندگان را تضامنی دانسته و علت آن را حفظ حقوق بستانکار در صورت ورشکستگی - اعسار - فرار یکی از صادرکنندگان دانسته در عین‌این‌که اداره حقوقی قوه قضائیه حکم محکومیت تضامنی را بدون وجود نص خاص فاقد وجهه قانونی میدانند. در فقه بحث مسؤولیت تضامنی در باب ضمان و از نظر فقه امامیه نظریه نقل ذمه به ذمه حاکم است که در قانون مدنی نیز به تبعیت از فقه سبب نقل ذمه به ذمه خواهد شد. در صورتی که دارنده (چک) به بانک مراجعه نماید و حساب صادرکننده چک فاقد محل باشد، وکیل که به نمایندگی از موکل اقدام به صدور چک نموده به استناد تبصره ۳ ماده ۵ و ماده ۱۹ ق.ج. در قبال دارنده ضامن است. در ق.ت مقنن (ماده ۲۴۹) با پذیرش نظریه ضم ذمه به ذمه مسؤولیت تضامنی را برای ظهرنویسی انتقالی بیان کرده است. دارنده سند در صورت مراجعه به متعهد اصلی و عدم تأدیه وجه سند، حق دارد به کلیه امضاکنندگان و یا برخی از آنان جهت مطالبه وجه سند رجوع نماید. ضمن این‌که اقامه دعوی بر علیه یک یا چند نفر از مسؤلین موجب اسقاط حق رجوع به سایر مسؤلین نمی‌شود. علاوه بر آن در مراجعه دارنده سند به اشخاص مسؤل، ملزم نیست که ترتیب تعهد آنان را از حیث تاریخ رعایت نماید. پیشنهادات: توجه به نظریات معارض در خصوص مسؤولیت تضامنی نماینده و صاحب حساب در برابر دارنده چک (آرای صادره از مراجع مختلف قضایی، قوانین موضوعه، و....)، و تبعات ناشی از آن؛ پیشنهاد می‌گردد که مقامات مسؤل جهت شفاف سازی و تسهیل امور، اقدامات مقتضی را در این زمینه اتخاذ نمایند.

منابع

- ابن فارس زکریا، احمد. (۱۴۰۴ ه ق). معجم مقاییس اللغة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی. اخلاقی، بهروز. (۱۳۷۵). جزوه درسی حقوق تجارت. دانشکده حقوق دانشگاه تهران. اسکینی، ربیعا. (۱۳۸۵). حقوق تجارت (برات، سفته، ...)، تهران: سمت. الجزیری، عبدالرحمن. (۱۴۱۹ ه ق). الفقه علی المذاهب الاربعه. بیروت: دارالتقلین. امام خمینی، روح الله، بی تا، تحریر الوسیله. قم: دارالعلم. امام خمینی، روح الله. (۱۴۲۱ ه ق). البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). امامی، حسن، بی تا، حقوق مدنی. تهران: اسلامیة. انصاری، طاهری. (۱۳۸۸). دانشنامه حقوق خصوصی، تهران: جنگل جاودانه. آل کاشف الغطاء، محمد حسین. (۱۳۵۹). تحریر المجله. نجف: المكتبة المرتضویة. بازگیر، یدالله. (۱۳۷۸). مسائل پیرامون چک... تهران: انتشارات عصر حقوق. بحرانی، یوسف. (۱۴۰۵ ه ق). الحدائق الناضرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی. بهرامی، بهرام. (۱۳۹۳). اوصاف اسناد تجاری. تهران: نگاه بینه. تبریزی، جواد. (۱۴۲۷ ه ق). صراط النجاه. قم: دارالصدیقه الشهیده. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۷۸). رهن و صلح. تهران: گنج دانش. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۵). ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۵). مبسوط در ترمینولوژی. تهران: گنج دانش. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۲۵۳۷). دائره المعارف... تهران: مشعل ازادی. جمعی از پژوهشگران. (۱۴۲۶ ه ق). فرهنگ فقه. قم: موسسه دائره المعارف فقه اسلامی. حر عاملی، محمد. (۱۴۰۹ ه ق). وسائل الشیعه. بیروت: دار احیاء التراث العربی. درویشی، یوسف. (۱۳۹۵). تاملی بر امتیازات اسناد تجاری... فصلنامه قضاوت. شماره ۸۵، صفحه ۵۹. دمیرچیلی، محمد. (۱۳۸۸). قانون تجارت در نظم حقوقی. تهران: دادستان. سالاری، مهدی. (۱۳۹۴). چک کیفی. تهران: جنگل جاودانه. سعدی، ابو جیب. (۱۴۰۸ ه ق). القاموس الفقهی... دمشق: دارالفکر. سیواسی، محمد. بی تا. فتح القدیر، دمشق: دارالفکر. شهید اول، محمد. (۱۴۱۷ ه ق). الدروس الشرعیة، قم: دفتر انتشارات اسلامی. شهید ثانی، زین الدین. (۱۴۱۰ ه ق). الروضه البهیة، قم: کتاب فروشی دآوری. صاحب جواهر، محمد حسن. (۱۴۰۴ ه ق). جواهر الکلام، بیروت: دار احیاء التراث. طباطبایی، سید علی. (۱۴۱۸ ه ق). ریاض المسائل، قم: موسسه آل البيت (ع). عاملی، سید جواد. (۱۴۱۹). مفتاح الكرامه، قم: دفتر انتشارات اسلامی. علامه حلّی، حسن. (۱۴۱۴ ه ق). تذکره الفقهاء، قم: موسسه آل البيت (ع). علامه حلّی، حسن. (۱۴۲۰). تحریر الأحکام، قم: موسسه امام صادق (ع). فاضل لنکرانی، محمد، بی تا، جامع المسائل، قم: امیر قلم.

- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، بی تا، کنز العرفان؛ ترجمه: بخشایشی. قم: پاساژ قدس.
- فخاری، امیر حسین. (۱۳۷۵). جزوه درسی حقوق تجارت ۳ و ۴، دانشگاه شهید بهشتی.
- فخر المحققین حلی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷). ایضاح الفوائد. قم: اسماعیلیان.
- قاسمزاده، سید مرتضی. (۱۳۸۵). مبانی مسؤلیت مدنی، تهران: نشر میزان.
- قبادی، کمال. (۱۳۹۳). جزوه درسی حقوق تجارت ۳، علوم و تحقیقات واحد سنندج.
- قرشی، علی اکبر. (۱۴۱۲ ه. ق). قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- کاتوزیان، امیر ناصر. (۱۳۷۸). عقود اذنی وثیقه‌های دین. تهران: نشر انتشار.
- گلپایگانی، محمد رضا. (۱۴۰۹ ه. ق). مجمع المسائل، قم: دارالقرآن الکریم.
- محقق اردبیلی، احمد. (۱۴۰۳). مجمع الفوائد، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- محقق حلی، جعفر. (۱۴۰۸ ه. ق). شرائع الاسلام، قم: اسماعیلیان.
- محقق کرکی، علی بن حسین. (۱۴۱۴ ه. ق). جامع المقاصد، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- مصطفوی، حسن. (۱۴۰۲ ه. ق). التحقیق فی کلمات القرآن، تهران: مرکز ترجمه و نشر نیک فرجام، کمال. (۱۳۹۲). نمایندگی در امضای اسناد تجاری، دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۶۲، صفحه ۱۷۹.
- یزدی، محمد کاظم. (۱۴۰۹ ه. ق). العروة الوثقی، بیروت: مؤسسه‌الاعلمی.
- یزدی، محمد کاظم. (۱۴۲۸ ه. ق). العروة الوثقی مع التعليقات، چاپ اول، قم: مدرسه علی بن ابیطالب (ع)،

The legal juridical examining of issuing check to representation and the resulting responsibility in securing the place of check

Abstract

A check is a commercial, valid and legal document with a certain amount by the bank, which, as a religious document, indicates that the issuer owes the amount of the check. Due to the difference of opinion among jurists regarding the nature of the check, they are known for being draft. The conclusion of this research, which has been compiled by descriptive-analytical method based on library data and content analysis, is that the validity of the issuance of a check by a legal representative depends on its completion within the scope of delegation authority and legitimacy to issue it. In provision 19 and waver 2& 3 of provision 5 The law of check Issue amendment approved 97 considers the liability of exporters as a guarantee, that its reason can be considered in the protection of the rights of the creditor in the event of insolvency or bankruptcy or escape of one of the exporters. Although in the jurisprudence of Imamiyyah and civil law, the theory of quotation of acquittance prevails for joint and several liability, but in the jurisprudence of general jurisprudence and the law of commerce, the theory of quotation of acquittance of addition prevails for the joint and liability. The novelty of this article is liability of the account holder and the legal representative to the holder of the check as a global commercial document based on jurisprudence and the law in question.

Keywords: Check, Remittance, Representation, Securities, Liability